حمید صفت آزاد شد

حمید صفت، خواننده زیرزمینی که به اتهام قتل پدر خوانده‌اش در بازداشت به سر می‌برد با سپردن وثیقه از زندان آزاد شد.

ایوب میلکی، یکی از وکلای مدافع حمید صفت گفت: با تلاش همکارانم و دفاعیات مؤثر در دادگاه، حکم برائت موکلم از اتهام مباشرت در قتل عمدی از سوی قضات شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران صادر شد و عصر روز گذشته با ارسال حکم دادگاه به زندان حمید صفت با قرار وثیقه از زندان آزاد شد.

قتل شوهر کارخانه‌دار برای کار در نانوایی!

زن جوانی که متهم است با خوراندن داروی بیهوشی شوهرش را به قتل رسانده مدعی است مخالفت مقتول با کارکردن او در نانوایی فانتزی انگیزه‌ای برای حادثه شده است.

به گزارش جوان، چند روز قبل اعضای خانواده‌ای به دادسرای امور جنایی تهران رفتند و از عروس‌شان به نام مهین به اتهام قتل پسرشان حمید شکایت کردند.

یکی از اعضای خانواده در توضیح ماجرا گفت: پسرم حمید وضع مالی خوبی داشت و همراه برادرانش در نزدیکی جاجرود کارخانه پرسکاری دارد. حمید پس از ازدواج با همسرش مهین در همان جاجرود زندگی می کردند تا اینکه پنج‌سال قبل به اصرار همسرش خانه‌اش را به تهران آورد. او هر روز صبح از خیابان پیروزی در شرق تهران راهی محل کارش می شد و شب به خانه بر می گشت تا اینکه آذر ماه سال قبل به ما خبر دادند که در خواب سکته و فوت کرده‌است. پسرم سالم بود و بیماری نداشت و ما هم به مرگ او مشکوک بودیم تا اینکه چند روز قبل پزشکی قانونی علت مرگ اصلی حمید را مسمومیت با مواد مخدر صنعتی اعلام کرد. حمید ورزشکار بود و حتی سیگار هم نمی کشید و وقتی علت مرگ اعلام شد احتمال دادیم که همسرش او را به قتل رسانده‌است. چون نوه ۱۹ساله‌ام پس از مرگ پدرش راز درگیری های پدرو مادرش را بر ملا کرد و الان از عروسم به اتهام قتل شوهرش شکایت دارم.

تحقیق از دختر ۱۹ساله

با شکایت خانواده حمید، قاضی حبیب‌الله صادقی بازپرس شعبه چهارم دختر ۱۹ساله مرد فوت شده را برای تحقیق به دادسرا احضار کرد. وی گفت: پدرم وضع مالی‌اش خوب بود، اما مادرم اصرار داشت که در بیرون از خانه کار کند و به همین خاطر با هم اختلاف داشتند و گاهی هم مشاجره لفظی و درگیری با هم داشتند. چند ماهی بود که متوجه شده‌بودم مادرم شامگاه پنج شنبه‌های هر هفته داخل غذا و چایی و آبمیوه پدرم مقداری پودر اضافه می کند. وقتی از او س<وال می کردم مدعی بود که پودر تقویتی است و به خاطر بیماری کرونا به غذای پدرم اضافه می کند تا اینکه شب قبل از حادثه هم به غذای پدرم پودری اضافه کرد که ظهر پدرم از خواب بیدار نشد و فوت کرد. پس از تحقیق از دختر مقتول مأموران از بقیه اعضای خانواده حمید تحقیق کردند. برادر حمید هم در تحقیقات گفت: برادرم تمام روزهای هفته حالش خوب بود، اما چند ماه قبل از فوتش روزهای جمعه همیشه گیج و منگ بود به طوری که روزهای جمعه توان رانندگی نداشته و یک‌بار هم که در حال رفتن به ویلای لواسانمان بودیم می‌خواست با تریلی تصادف کند که پشت فرمان از خواب بیدارش کردم. تحقیقات مأموران پلیس و گفته‌های اعضای خانواده حمید حکایت از آن داشت که مهین شب‌های پنج‌شنبه به شوهرش پودر خواب‌آور و مواد مخدر می‌خورانده است. بنابراین مهین ۳۹ساله به دستور بازپرس بازداشت و به اداره پلیس منتقل شد.

پودرهای مرگبار

متهم در بازجویی‌های اولیه منکر جرم خود شد و ادعا کرد که هیچ پودری به غذای شوهرش اضافه نکرده‌است، اما صبح دیروز وقتی به دادسرای امور جنایی تهران منتقل شد در بازجویی مقابل قاضی صادقی به قتل شوهرش اقرار کرد. وی گفت: من عاشق کارم بودم، اما شوهرم مخالف بود که شب‌های پنج‌شنبه موادمخدر را پودر می کردم و به شوهرم می‌خوراندم تا جمعه بخوابد و مانع رفتن من به محل کارم نشود که آخرین بار بر اثر مسمومیت فوت کرد.

متهم در ادامه برای تحقیقات بیشتر و روشن شدن زوایای پنهان حادثه در اختیار کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

گفت‌وگو با قاتل

مهین چرا شوهرت را به قتل رساندی؟

من قصد قتل نداشتم، فقط می‌خواستم او جمعه‌ها بخوابد و من هم سر کارم بروم. چون او با کارم مخالف بود و مانع رفتن من به محل کارم می‌شد.

یعنی اختلاف دیگری نداشتید؟

اختلاف خیلی مهمی نداشتیم، اما مثل دیگر زن و شوهرها با هم درگیری و مشاجره لفظی داشتیم که عادی بود.

شوهرت که کارخانه دار بود چرا شما اصرار داشتی کار کنی؟

من دوست داشتم مستقل باشم و نمی‌خواستم از شوهرم پول بگیرم. بله او کارخانه داشت و وضع مالی‌اش هم خوب بود، اما من عاشق کارم بودم.

چه کاری؟

قبلاً در کارخانه شوهرم کار می کردم تا اینکه به تهران آمدیم. بعد از آن من در نانوایی نان فانتزی مشغول به کار شدم. شوهرم وقتی فهمید مخالفت کرد اما من می‌رفتم. او هر روز صبح به کارخانه‌اش می‌رفت و شب برمی گشت و من در این چند روز مشکلی نداشتم، اما من جمعه‌ها هم از ۲بعد ازظهر تا ۱۰ شب باید سر کار می‌رفتم که شوهرم خانه بود. او می گفت «خانه‌بمان و پیش من باش» که مجبور شدم به او مواد بی‌هوشی بخورانم تا جمعه‌ها بخوابد و من هم راحت به محل کارم بروم.

چه مدتی بود که به او مواد بی‌هوشی می‌دادی؟

دو هفته یعنی دو بار آن هم شب‌های پنج‌شنبه بود.

اما دخترت گفته که چندماه است که در غذایش پودر اضافه می‌کردی؟

[سکوت می کند.]

چیزی که تماشاچیان سوانح و حوادث باید بدانند

حضور پلیس و امداد کافی است، صحنه را ترک کنید

تماشای یک حادثه خیلی وقت‌ها منجر به بروز حوادث دیگر می‌شود یا امدادرسانی به حادثه دیدگان را با دشواری زیادی همراه می کند. مثل حادثه‌ای که در محور تهران -فیروزکوه اتفاق افتاده و دو کشته و ۱۲مصدوم بر جای گذاشت.

ساعت ۱۸:۱۵ شنبه امدادگران از حادثه رانندگی در محور فیروزکوه به تهران با خبر شده و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد که یک دستگاه تیبا با فردی رهگذر تصادف کرده‌است. در حالی که امدادگران در حال امدادرسانی بودند افراد زیادی برای تماشا در محل جمع شدند. همزمان یک دستگاه خودروی برلیانس عبوری که گویا راننده‌اش حواس خود را به جای توجه به جلو متوجه حادثه کرده بود با آمبولانس تصادف کرد و حادثه‌ای دیگر رقم خورد به طوری که آمبولانس واژگون شد که دو نفر جانشان را از دست داده و ۱۲ نفر هم دچار جراحت شده و به بیمارستان منتقل شدند.

تماشای سوانح رانندگی، حوادث ناگوار یا درگیری‌های خیابانی به صورت بخشی از فرهنگ عمومی درآمده است. در جریان این اتفاق‌ها مهم‌ترین موضوع رسیدگی به آسیب دیدگان از سوی پلیس و گروه‌های امداد است، اما تجمع خیل عظیم تماشاچیان همواره فعالیت‌های امداد را با مشکلات بسیاری مواجه می کند یا منجر به بروز حوادث خونین دیگر می‌شود. در مورد ترافیک‌های ایجاد شده هم بسیاری از مواقع تماشای یک سانحه از سوی رانندگان عبوری یا افراد جمع شده در محل منجر به ایجاد گره‌های ترافیکی در معابر شهری یا مسیرهای جاده‌ای می‌شود.

عطش دیدن

وقوع یک حادثه می تواند جان افراد درگیر حادثه را با خطر زیادی مواجه کند از همین رو مهم‌ترین موضوع در این باره تلاش برای امداد به حادثه دیدگان است. مثلاً با وقوع یک انفجار مردم از محل پراکنده می‌شوند و نیروهای امداد که در این باره آموزش‌های لازم را طی کرده‌اند وارد عمل می‌شوند، اما در کشور ما قاعده طور دیگری است و تجربه نشان داده است که عمده افراد به سمت وقوع حادثه هجوم می‌برند. مهم‌ترین شاخص در این باره انفجار در ساختمان پلاسکو است که ۱۵ آتش‌نشان و پنج‌شهروند در جریان آن جانشان را از دست دادند. در حالی که امدادگران در این حادثه نیاز به فضای لازم برای فعالیت داشتند بخش مهمی از توان پلیس برای مدیریت محل حادثه و دور کردن تماشاچیان مشتاق از محل صرف شد. موضوعی که عمده اتفاق‌های روی داده را شامل می‌شود.

چرایی واکنش

دکتر امان‌الله قرایی‌مقدم جامعه‌شناس، فرهنگ سنتی را دلیل این موضوع می‌داند و معتقد است: «فرهنگ کشور ما سنتی و دینی است. افراد جامعه این‌طور پرورش یافته‌اند که اگر برای کسی اتفاقی بیفتد، بی‌تفاوت نباشند که این جزو فرهنگ و سنت ماست. البته در بعضی حوادث، حضور مردم به خاطر حس کنجکاوی است، اما در پی آن افراد اگر ببینند نیاز به کمک هست حتماً دخالت می کنند تا جلوی خطرات و اتفاقات ناگوار بعدی را بگیرند.

به گفته این جامعه‌شناس این حس همدردی از ابتدای کودکی شکل گرفته‌است، از دورانی که می‌دیدیم پدر و مادری با گفته‌ها و رفتارهایشان دیگران را کمک می کنند همان موقع این حس شکل گرفت و در بزرگسالی فراموش آن کار سختی است. این مهم از یک جهت خوب است، اما از جهتی دیگر باعث اخلال در نظم می‌شود، بنابراین وقتی در یک حادثه‌ای مردم حضور مأموران و مسئولان را می‌بینند باید صحنه را در صورت عدم نیاز به کمک خالی کنند. همه این رفتارها چه خوب و چه بد نیاز به آموزش و فرهنگ‌سازی دارد که باید از رسانه‌های مختلف و سخنان بزرگان به گوش همگان رسانده شود.

این استاد دانشگاه معتقد است که این حضور نوعی حضور جمعی است. حضوری زودگذر و موقتی که در عرض چند ثانیه و چند دقیقه به وجود می‌آید و خیلی زود هم از بین می‌رود. اگر این حضور ایجاد مزاحمت نکند و باعث سوءاستفاده نشود نشانی از یک همدلی است. در غیر این صورت باید با تبلیغ و صحبت کردن ساماندهی شود.

حضور احساسی

حضور جمعی مردم و پیدا شدن جماعت نیز باعث می‌شود رفتار مردم در آن جماعت احساسی باشد. این رفتار هم به نوبه خود خطرناک است؛ چراکه در جماعت قدرت تفکر ادراکی افراد گرفته می‌شود. به طور مثال در یک حادثه تصادف وقتی یک نفر بگوید برویم چند نفر نیز همراه می‌شوند. این جماعت، جماعتی مجذوب و نمایشی است که ممکن است با حضور در یک حادثه رفتاری احساسی داشته باشند.

حضور درست

یکی دیگر از دلایل حضور مردم در یک حادثه به علت عدم حضور مأموران و مسئولان مربوطه است. وقتی یک خودرویی در یک تصادف دگرگون شده و آسیب دیده و جان سرنشینان آن در خطر است، ولی از مأمور نیروی انتظامی و نیروهای امدادی خبری نیست گذشتن از کنار این حادثه برای افراد حاضر سخت است و همین باعث می‌شود تا حضار دخالت کنند تا جان آدمی را نجات دهند.

چاره کار

راهکار مهم برای پرهیز مردم از تماشاگر بودن در سوانح هم فرهنگ‌سازی است که باید از طریق، آموزش و پرورش، گفت‌وگو، سریال‌سازی و مقالات انجام شود و این حضور نیز از سوی مسئولان امر نظم داده شود تا موجب بروز حادثه‌ای دیگر نشود. در آخر مردم باید بدانند در صورت بروز حوادث ناگوار چه موقع و کجا باید حضور داشته‌باشند و چه موقع و کجا نباشند.

بخشش ۲ قاتل به احترام ۲۸ صفر

دو قاتلی که در دو حادثه جداگانه مرتکب قتل شده بودند به احترام ۲۸ماه صفر از سوی اولیای دم بدون هیچ چشمداشتی بخشیده شدند.

به گزارش جوان، نخستین قاتل مرد جوانی است که روز هشتم تیرماه سال ۹۱ راننده لودری را در حوالی شهرستان آبعلی هنگام تخلیه زباله به قتل رسانده‌بود.

آن روز مأموران پلیس در محل تخلیه زباله‌ها در جاده آبعلی با جسد مرد ۴۶ساله‌ای به نام امیر روبه‌رو شدند که با اصابت ضربات پیچ گوشتی به قتل رسیده‌بود. بررسی‌ها نشان داد مقتول لحظاتی قبل با راننده کامیونی درگیر شده که برادر راننده کامیون به نام ایرج به هواخواهی برادرش وارد درگیری می‌شود و با پیچ گوشتی راننده لودر را به قتل می‌رساند. متهم پس از دستگیری با اظهار پشیمانی به قتل اعتراف کرد و مدعی شد که قصد قتل نداشته‌است. وی در دادگاه هم به قصاص محکوم شد و پرونده‌اش برای سیر مراحل اجرای حکم به شعبه اجرای احکام دادسرای امور جنایی فرستاده شد. در حالی که در یک قدمی چوبه‌دار قرار داشت پدر مقتول به دادسرا آمد و رضایت‌نامه کتبی خود را به قاضی حسین گودرزی، بازپرس شعبه‌سوم اجرای احکام داد و اعلام کرد به احترام ۲۸ماه‌صفر قاتل را بخشیده است.

بخشش قاتل همسر

دومین قاتلی که به احترام ۲۸ماه صفر بخشیده شد مرد ۴۷ساله‌ای بود که روز هشتم آبان‌سال ۹۲ همسرش را در خانه‌اش به قتل رساند و خودش را به پلیس معرفی کرد.

متهم پس از اعتراف به قتل گفت: من راننده آژانس بودم و همسرم آرایشگاه داشت. او در آمد خوبی داشت و می گفت من هم باید ماهی ۳میلیون تومان درآمد داشته باشم. او همیشه پول‌هایش را به رخ من می‌کشید و می‌گفت که قصد دارد از من جدا شود. شب حادثه با هم درگیر شدیم و گفت از من طلاق می‌گیرد که تصمیم گرفتم او را به قتل برسانم. صبح که فرزندم به مدرسه رفت همسرم از خواب بیدار شد و می‌خواست رختخوابش را جمع کند که با هم درگیر شدیم و او را خفه کردم. پس از این صحنه‌سازی کردم و به خانه خواهرم رفتم که پسرم از مدرسه آمد و به اداره پلیس خبر داده بود مادرش فوت کرده است. وقتی به من خبر دادند به خاطر عذاب وجدان به قتل همسرم اعتراف کردم.

متهم در شعبه ۷۴ به قصاص محکوم شد و مدتی قبل هم در زندان رجایی‌شهر پای چوبه‌دار رفت، اما با میانجیگری‌های هیئت صلح و سازش دادسرای امور جنایی موفق به گرفتن مهلت شد تا اینکه یک‌روز قبل در حالی که مهلت وی به پایان رسیده‌بود، پدر و مادر مقتول همراه فرزند مقتول به دادسرای امور جنایی آمدند و قاتل را به احترام ۲۸ماه‌صفر بخشیدند.

بدین ترتیب با اقدام خداپسندانه اولیای‌دم دو مقتول، دو قاتل به زندگی دوباره بازگشتند.

یادداشت

حسین فصیحی

اختلاس در امنیت

افزایش ۳۰۰درصدی اختلاس در کشور چرایی وقوع این اتفاق را مورد پرسش قرار داده است. خبر افزایش ۳۰۰ درصدی اختلاس را روز گذشته سردار محمدرضا مقیمی، رئیس پلیس امنیت اقتصادی کشور اعلام کرد و گفت که همه موارد مرتبط با اختلاس و ارتشا در کشور در نیمه اول امسال با رشد قابل توجه روبه‌رو بوده است. سردار مقیمی در توضیح بیشتر گفت که اختلاس در شش‌ماه نخست امسال از جهت پرونده‌ای ۶۱درصد، از جهت تعداد متهم ۹۴درصد و از نظر ارزش ریالی ۳۳۳درصد نسبت به شش‌ماه نخست سال گذشته افزایش داشته‌است. وی بدون اشاره به رقم اختلاس‌های صورت گرفته گفت که رشا و ارتشا ۳۵۷درصد نسبت به سال گذشته از نظر ارزش ریالی افزایش داشته است. در این مدت تعداد پرونده‌های رشا و ارتشا ۱۹درصد و متهمان ۲۸درصد افزایش داشته‌است.

انتشار خبرهای اختلاس خرد و کلان در کشور سال‌هاست به فضای عمومی جامعه راه پیدا کرده و آسیب‌های بسیاری را به همراه داشته‌است. اوایل دهه هفتاد نام فاضل خداداد و مرتضی رفیق دوست به اتهام اختلاس ۱۲۳میلیارد تومان از بانک صادرات شنیده شد. با فرجام تحقیقات صورت گرفته فاضل خداداد به دار مجازات آویخته شد و رفیق دوست هر چند به حبس ابد محکوم شد، اما سال ۸۲ از زندان آزاد شد. سال ۷۷ هم پرونده اختلاس دیگری فضای عمومی جامعه را تحت تأثیر قرار داد. متهم اصلی غلامحسین کرباسچی، شهردار وقت تهران بود که ۱۴میلیارد تومان از بودجه بیت‌المال را به صورت غیرقانونی برداشت یا به نفع حزب مطبوعش هزینه کرده‌بود. او با همه اتهام‌های وارد شده به دو سال حبس، ۱۰سال انفصال از خدمات دولتی و پرداخت جزای نقدی و استرداد وجوه تعلق گرفته محکوم شد و در سایر اتهامات، مجرم شناخته نشد.

دهه هشتاد اما با انتشار نام شهرام جزایری دوران تازه‌ای در پرونده‌های اختلاس شروع شد. متهم ۲۸ساله از دستفروشی قدم به جهان اختلاس‌گران گذاشت و یکی از جنجالی‌ترین پرونده‌های فساد مالی را به نام خود ثبت کرد. او به جرم اختلال در نظام اقتصادی کشور، به ۲۷سال زندان محکوم شد و پس از گذراندن ۱۳سال حبس ۱۱مهر سال ۹۳ موفق به رهایی از حبس شد. پرونده‌های اختلاس در دهه نود بیش از همه با نام مه آفرید امیرخسروی با پرونده معروف به ۳هزارمیلیارد تومانی همراه بود. در جریان این پرونده ۵۰۰نفر به اتهام همکاری با مه‌آفرید تحت تعقیب قرار گرفتند. او ۱۵مرداد ۹۰ به اتهام فساد ۳هزار میلیارد تومانی در نظام اقتصادی و اخلال در نظام پولی و بانکی کشور، بازداشت و سحرگاه سوم خرداد۱۳۹۳ اعدام شد. در جریان بررسی پرونده مه‌آفرید بود که محمود خاوری مدیرعامل بانک ملی، متهم دیگر پرونده موفق به فرار به کانادا شد که تلاش‌ها برای بازگرداندن او از بهشت اختلاس‌گران فراری ناکام مانده است. بابک زنجانی از دیگر متهمان پرونده‌های اختلاس بود که به اتهام ۲میلیارد دلار اخلال در نظام اقتصادی کشور محاکمه و به اعدام محکوم شد که اجرای حکم تا زمان پرداخت بدهی وی به تعویق افتاد.

موارد اشاره شده تنها بخشی از اختلاس‌های خرد و کلان است که مدام در حال انجام است. تجربه نشان داده که اعدام خداداد و مه‌آفرید و اختلاس‌گران دیگر نه تنها پایان فسادهای صورت گرفته نشد بلکه زنجیره آن با تاجگذاری سلاطین ارز، سکه، قیر و قبر ادامه پیدا کرد. آثار فسادهای صورت گرفته محدود به فضای اقتصادی نیست، بلکه تأثیرات مخرب اجتماعی را به همراه دارد. افراد جامعه در چنین شرایطی مدام دست به مقایسه می‌زنند و این تصور نزد آنها شکل می‌گیرد که اگر کسی توانسته به واسطه اختلاس به چنین جایگاهی دست پیدا کند او هم قادر به انجام همان کار خواهد بود. در چنین شرایطی فرد منافع شخصی را بر منافع عمومی ترجیح می‌دهد و تلاش می کند به امکاناتی فراتر از آنچه در اختیار دارد دسترسی پیدا کند. تجربه اتفاق‌های روی داده به خوبی نشان داده‌است که فسادهای صورت گرفته شواهدی از شرایط حاکم بر جامعه و قوانین اقتصادی است، از همین رو است که فساد مدام در حال بازتولید است و مردم تاکنون شاهد برخورد قاطع با ترویج فساد نبوده‌اند. برخورد قاطع نه به معنای حبس و اعدام مرتکبان بلکه به معنای ایجاد ساختار پایداری است که در آن راه فساد بسته‌شود و امکان ارتکاب فساد در آن وجود نداشته باشد. اظهارات رئیس پلیس امنیت اقتصادی مبنی بر افزایش ۳۰۰ درصدی اختلاس در کشور به خوبی گواه این است که پلیس و ساختار نظارتی تنها شاهدان اختلاس‌های صورت گرفته هستند.

امور مشترکین و توزیع روزنامه جوان
۸۸۴۹۸۴۷۶

برگ سبز، برگ کمپانی و سند نقل و انتقال موتور سیکلت سیستم زیگما تیپ ۱۲۵cc مدل ۱۳۹۴ رنگ قهوه ای شماره پلاک ایران ۳۲۴ _ ۷۸۵۶۸ به شماره موتور ۰۱۲۵N۱D۲۰۰۶۶۵ شماره شاسی NID***۱۲۵A۹۴۰۴۹۱۰ متعلق به شقایق نصرتی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.
البرز

برگ سبز کامیون کفی بغلدار بازشو سیستم بادسان تیپ بی ۶۱۴مدل ۱۳۸۲ رنگ سفید روغنی شماره پلاک (ایران ۹۴۸۷۸ ع ۴۲) به شماره موتور ADW۰۲۱۸M شماره شاسی ۰۶۲A۳۸۴۸۲۰۱۰۲۴۸۸ متعلق به رضا نوروزی بهروز مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. البرز

کلیه مدارک خودروی سواری پراید (بجز کارت ماشین و بیمه) اعم از برگ سبز و سند کمپانی به شماره انتظامی ۳۵ ایران ۸۴۱ ی ۹۸ و به شماره موتور ۰۰۵۳۷۷۷۷ و به شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۲۹۹۳۳۹۳ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.
تبریز

برگ سبز، سند نقل و انتقال و کارت خودرو کامیونت ون نیسان تیپ Z۲۴NI مدل ۱۳۹۹ رنگ آبی روغنی شماره پلاک ایران ۲۰ ۷۹۸ ی ۷۶ به شماره موتور Z۲۴۸۲۳۶۰۳Z شماره شاسی ۸۳۳۲۷۵متعلق به نجیب الله میر مرادزهی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.
البرز

برگ سبز خودرو پراید ۱۳۲ مدل ۱۳۹۰ رنگ سفید روغنی شماره پلاک (ایران۳۸ ۱۵۷ د ۱۵) به شماره موتور ۴۶۱۸۱۲۴ شماره شاسی S۵۴۲۰۰۹۱۷۰۳۸۲۳ متعلق به ایمان عنبر ستانی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.
البرز

آگهی شرکت در مناقصه عمومی (نوبت دوم)

سازمان اتوبوسرانی آبادان در نظر دارد بخش پیمانکاری تامین نیروی انسانی راننده پایه یکم، تعمیر کار، مامور کنترل و سایر مشاغل را از طریق انعقاد قرارداد به بخش خصوصی (شرکتهای خدماتی با سابقه ۵ سال و داشتن رضایت نامه از کار فرمایان قبلی و گواهینامه تایید یه صلاحیت کار و ایمنی از اداره کار و امور اجتماعی و مجوز فعالیت از سازمان منطقه آزاد اروند و ارائه عدم بدهی به سازمان تامین اجتماعی) واگذار نماید.

۱- متقاضیان میتوانند از تاریخ انتشار نوبت دوم آگهی در تاریخ ۱۴۰۰/۷/۱۲ تا پایان وقت اداری روز سه شنبه مورخه ۱۴۰۰/۷/۲۰ نسبت به دریافت اسناد مناقصه به سامانه ستاد مراجعه نمائید.
۲- متقاضیان بایستی حداکثر تا ساعت ۱۳ بعد از ظهر روز پنجشنبه مورخه ۱۴۰۰/۷/۲۹ نسبت به تحویل پاکت در سامانه ستاد اقدام نمایند.
۳- تضمین شرکت در مناقصه مبلغ ۶/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال میباشد.
۴- کمیسیون معاملات در رد و قبول پیشنهادات مختار می باشد.
۵- سپرده تضمین نفر اول تا سوم، تا مشخص شدن نتیجه مناقصه نزد سازمان نگهداری خواهد شد و هر گاه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده آنان به ترتیب ضبط خواهد شد.
۶- مدت ارائه خدمات از تاریخ شروع بمدت یکسال می باشد.
۷- سازمان اتوبوسرانی اختیار قبول یا رد پیشنهاد دارد.
۸- هزینه چاپ آگهی مناقصه به عهده برنده مناقصه می باشد.

واحد حقوقی سازمان اتوبوسرانی آبادان

آگهی دعوت افراز ملک مشاع پلاک ۴۳۷۴ بخش یک سمنان

ااحتراما نظر باینکه آقایان سید آرمین خاتمی و سید رامین خاتمی احدی از مالکین مشاعی درخواست افراز سهم خود را از پلاک ثبتی ۴۳۷۴ واقع در بخش یک سمنان را نموده بعلت معلوم نبودن اقامتگاه سایر مالکین مشاعی تقاضای دعوت از آنها را از طریق درج آگهی در روزنامه را نموده است لذا بدینوسیله از کلیه مالکین مشاعی که عبارت است از آقای سید محمد باقر موسوی و خانم ربابه نوربخش میباشد و اشخاصیکه بهر نحو در پلاک مزبور ذینفع میباشند دعوت بعمل آمده در مورخه ۱۶/۸/۱۴۰۰ راس ساعت ۹ صبح در محل اداره ثبت سمنان به آدرس شهرک تعاون بلوار مدرس جنب بانک ملی حضور بهم رسانده تا باتفاق نماینده و نقشه بردار ثبت اسناد و سایر مالکین مشاعی جهت عملیات افراز بمحل وقوع ملک عزیمت نمایید عدم حضور مانع از انجام عملیات افراز نخواهد بود این آگهی مطابق آیین نامه اجرایی مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا و به کلیه افراد ذینفع ابلاغ و فقط در یک نوبت انتشار می یابد.

روان بخش قنبری
رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان سمنان
تاریخ انتشار: ۱۲/۷/۱۴۰۰
شماره آگهی : ۱۲۰۱۴۳۶